

دلنوشته یک زائر اربعین

حس خوب زیارت

پارسال به همراه پدر و مادرم در ایام اربعین به سفر کربلا رفتیم. دیدن آن جمعیت زائر برایم شگفت‌انگیز بود.

بچه‌ها! در مسیر، ما آدم‌های متفاوتی از کشورهای مختلف دیدیم. آن‌ها به زبان‌های خارجی که من معنی‌شان را نمی‌فهمیدم، با هم حرف می‌زدند. توی مسیر پیاده‌روی، مردم عراقی، ایستگاه‌های پذیرایی برپا کرده بودند و برای استراحت به ما تعارف می‌کردند و هرکدام دوست داشتند ما را برای استراحت و پذیرایی به خانه خود ببرند.

من در این سفر، هم زائر آفریقایی دیدم، هم اروپایی. برای من جالب بود که همگی به زیارت امام حسین (ع) می‌آیند و سختی راه و مسیر و گرما را تحمل می‌کنند. توی راه زیارت امام حسین (ع)، انگار همه‌ی مردم دنیا یک خانواده بودند. همه مهربان بودند و با احترام با هم رفتار می‌کردند. وقتی از پدر و مادرم پرسیدم چرا مردم از همه‌جا به پیاده‌روی اربعین آمده‌اند، پدرم جواب داد: همه‌ی مسلمانان دوست دارند در غم و درد و رنجی که امام حسین (ع) و خانواده‌اش و یارانش در واقعه کربلا کشیدند، شریک باشند. برای همین هر سال در اربعین، در مسیر نجف و کربلا پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) و یارانش می‌آیند. بعد از زیارت حرم امام حسین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) و حضرت مسلم، ما به سامرا رفتیم.

وقتی به حرم امام حسین (ع) رسیدیم، دیدم چه قدر زیباست. حس خوبی داشت. من آنجا برای همه‌ی دوستانم و عزیزانم دعا کردم. پیاده‌روی اربعین و دیدن حرم امام حسین (ع) یکی از خاطرات به یادماندنی من شد.

